

این بود وضع بهداشت جسمی. اکنون می پرسیم: بهداشت روحی چگونه است؟

مادر بهداشت روحی و جسمی، فرقی بین دوروش نمی بینیم. زیرا هنگامی که اوضاع دینی در مجرای طبیعی قرار گرفت و انحراف فکری با عملی همانند و با نشد و امواج الحاد و انحراف، به اماکن و مساکن ما نرسید و فرزندان ما را مورد حمله قرار نداد، نیازی به مواجهه و جبهه گیری و درگیری نیست. در اینجا وظیفه مبلغین است که تلاش کسی داشته باشند و مردم را برای شناخت مسائل عقیدتی و شرعی به حال خود گذارند. شاید وضع طبیعی جوامع اسلامی در بعضی مراحل تاریخی همین بوده است. در این جوامع، مردم مسئولیت ایمان را پذیرفته و برطبق ایمان خود عمل نموده و مجهولات خود را نزد علماء دینی رفع کرده اند.

اما اگر پادها برخلاف جهت کشتی بوزد و تندباد خطر نزدیک شود و امواج کوه بیکر بالا گیرد و کشتی را به خطر بیندازد و در آستانه غرق شدن قرار دهد. چه باید کرد؟ آیا ناخدا آرام مینشینند؟ یا در صورت امکان، برای نجات کشتی و به ساحل بردن آن، به تلاش و مبارزه برمی خیزد؟ یا اینکه با هوشیاری و شکیبانی تجربه ها و آگاهی ها و نیروهای بدنی و غیربدنی کمک میگیرد، تا به هدف برسد؟ موقف ما در اینجا همین است. هنگامی که اسلام از حیات و افکار مردم دور می شود و از آن، جز شبهی تاریک و خجول باقی نمی ماند. و امواج کوبنده چه از طریق فکر و چه از طریق عملی، همه چیز را در معرض خطر قرار داده و غرائز و شهوات را برانگیخته و هیچ آزادی و اختیاری باقی نگذاشته، چه باید کرد؟ کارخانه های اسلحه سازی هم در خدمت همین جریان فاسد قرار دارد و نیروهای صالح را از رسیدن به اهداف خود باز میدارد. اقتصاد و سیاست نیز تمام نیروی خود را برای اعمال فشار به کار انداخته است. در این صورت مبارزه، مبارزه مرگ و زندگی است. در اینجا حرکت مستمر و مبارزه پیگیر و نبرد قهرمانانه لازم است و سکوت، به معنی مرگ و فناست.

آیا در چنین شرائطی، خاموش نشستن و از مسئولیت هاشانه خالی کردن، کاری عاقلانه است؟ منطق شکست پذیری ما را به تسلیم و نومیدی فراموش خواند. ممکن است واقعیت را به گونه ای بنگریم که گویا خطری حتی در درازمدت وجود ندارد و در نتیجه، در کنجی بنشینیم و منتظر بمانیم تا کسی از ما سوال کند و ما از راه فضل و کرم، به او پاسخ گوئیم.

مصیبت این است که مردمی اینگونه فکر می کنند و مصیبت بزرگتر اینکه عده ای همینگونه عمل می کنند.

به نظر ما قضیه طوری است که باید تمام نیروهای موجود را برای مقابله با آن، بسیج کرد. سپس باید به ترمیم نیروهای ضعیف و تحلیل رفته، پرداخت. آنگاه تاملین نیروهای جدید و تازه نفس نمود و دعوت اسلامی را در چارچوب حکمت و ایمان، عرضه کرد.

برخی از آیات و احادیث در این زمینه الهام بخش ما هستند و ما را تشویق می کنند که برای دفاع یا تهاجم، تمام نیروهای فکری خود را به کار اندازیم. آیاتی که در پاره دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ذکر کردیم، به انسان مسلمان،

# □ بحثی پیرامون جایگاه تبلیغات و شیوه های آن در جامعه ی اسلامی - ۵

## روش های تبلیغ

□ از دکتر احمد بهشتی

الهام می کند که اگر از قیام به وظیفه خودداری کند، باید برای مجازات اخروی آماده باشد.

این مطلب را از آیاتی که اهل کتاب را به خاطر کتمان مطالبی که در باره پیامبر اسلام و علائم ظهور او در تورات و انجیل آمده، مورد تهاجم قرار داده، الهام می گیریم.

این آیات، به قرار زیر است:

۱- الذین آتیناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابنائهم و ان فریقا منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

(البقره ۱۴۶)  
آنهایی که کتاب به ایشان دادیم، پیامبر را مانند فرزندان شان می شناسند و گروهی از آنها حق را در حالی که میدانند، کتمان می کنند.

۲- ان الذین یکتومون، انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیننا للناس فی الكتاب اولئک بلعینهم الله وللفیهم اللاعنون، الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا فاولئک اتوب علیهم وانا التواب الرحیم

(البقره ۱۶۰ - ۱۵۹)  
آنانکه بینات و هدایتی را که، نازل کرده ایم، بعد از آنکه برای مردم بیان داشته ایم، کتمان می کنند، خدا و لعنت کنندگان، لعنتشان می کند. مگر آنانکه توبه و اصلاح و بیان کرده اند که توبه آنها را می پذیرم.

و من توبه پذیر و رحیم.

۳- ان الذین یکتومون ما نزل الله من الكتاب و یشترون به ثمنا قلیلاً اولئک

ما یاکلون فی بطونهم الا النار ولا یكلمهم الله ولا یرکبهم و ولهم عذاب الیم. (البقره ۱۷۴)

آنهایی که کتاب خدا را کتمان می کنند و آن را به بهایی کم می خردند، جز آتش در شکم خود نمی ریزند و خداوند با آنها تکلم نمی کند و تزکیه شان نمی کند و برای آنهاست عذابی دردناک.

۴- و اذا اخذ الله میثاق الذین اتوا الكتاب لتبییننه للناس ولا تکتمونه فتنذوه و راه ظهورهم و اشتروا به ثمنا قلیلاً فبئس، یشترون.

(آل عمران ۱۸۷)  
به یاد آور گاهی که خدا از اهل کتاب بیمان گرفت که باید کتاب را برای مردم، بیان کنید و آن را مکتوم ندارید و آنها پشت سر انداختند و به بهائی کم خریدند و بد است آنچه می خردند.

از جوی که بر این آیات، حاکم است، می فهمیم که علم مربوط به عقاید دینی و احکام شرعی، برای عالم مسؤلیت می آورد. او وظیفه دارد که برای مردم بیان کند و چیزی کتمان ننماید و اگر به مسؤلیت خود عمل نکند، سزاوار عذاب و دوری از خداست. در این آیات، هیچ اشاره ای به این مطلب نشده است که بیان علم و کتمان نکردن، در صورتی واجب است که مردم سؤال کنند. بلکه ظاهراً حکم، شامل همه حالات است.

از این آیات می فهمیم که کار سهم علماء دین، ادامه کار انبیاء بوده و موظف بوده اند که عقائد دینی و احکام شرعی را به شیوه ای پیامبرانه، برای مردم بیان کنند.

از آیه اخیر استفاده می شود که باید هر چه در کتاب است برای مردم گفته شود و این، بیمانی است میان خدا و اهل کتاب، آنها باید خود به سراغ مردم بروند. نه اینکه منتظر بنشینند که مردم به سراغ آنها بیایند. به خصوص اگر مردم، توجهی به طبیعت حق ندارند تا در باره آن، سؤال کنند. زیرا آنها در باره حق، چیزی نمیدانند تا برای آنها سئوالی پیش آید.

به نظر بعضی این آیات، در باره این است که علماء بهبود، مطالبی که در باره علائم پیامبر اکرم می دانستند، کتمان می کردند و به قضایای دیگر ارتباط ندارد. اما ما می دانیم که این آیات، بار مسؤلیت را بردوش آنها نهاده. زیرا از مسؤلیت عام خود در قبال نیازهای عقیدتی مردم، انحراف جسته اند.

طبیعی است که به نظر ما فرقی میان یهودیانی که مطالب تورات را از مردم کتمان می کردند و میان مسلمین که علم خود را کتمان می کنند، نیست. ممکن است سبب کتمان، طمع مادی یا حفظ موقعیت یا سستی و راحت طلبی باشد.

واز احادیث، حدیثی است از پیامبر اکرم (ص) که:

اذ اظهرت البدع فلیظهر العالم علمه فمن لم یفعل فعليه لعنة الله (کافی - ج ۱ - ص ۵۴)

هنگامی که بدعتها ظاهر شود، باید عالم، علم خود را آشکار کند و اگر نکند، بر اوست لعنت خدا.

ادامه دارد